

تبیین جامعه‌شناختی رابطه‌ی اوقات فراغت و اشکال جدید سرمایه (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه کردستان)

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۰، شماره ۵: ۱۶۰-۱۳۳

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

جمال محمدی^۱

عضو هیأت گروه جامعه‌شناسی علمی دانشگاه کردستان

فردین محمدی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

معصومه زارع

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی

پدیرش ۹۲/۵/۲۵

دریافت ۹۱/۲/۲۱

چکیده

بررسی نقش اوقات فراغت در زندگی جوانان و مشخص نمودن کارکردهای آن امری حائز اهمیت است و با مطالعه‌ی علمی و شناخت دقیق اوقات فراغت و تأثیر آن بر شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی اقشار مختلف جامعه می‌توان از این مفهوم به‌عنوان متغیر پیش‌بینی‌کننده در تحلیل مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه سود جست و اهداف فردی و اهداف کلی جامعه (افزایش سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی) که در راستای بهبود زندگی فردی و جمعی و توسعه‌ی کشور است را برآورده کرد. پژوهش حاضر تلاشی است برای تبیین رابطه‌ی اوقات فراغت دانشجویان با شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی / فرهنگی آنان. لذا پرسش‌های محوری آن حول این مسئله‌ی اصلی صورت‌بندی شده‌اند که چه عواملی بر شکل‌گیری اشکال جدید سرمایه (سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی) تأثیرگذار است؟ و آیا رابطه‌ی بین اوقات فراغت و شکل‌گیری اشکال جدید سرمایه وجود دارد؟ چهارچوب مفهومی و نظری پژوهش از نظریه‌های اندیشمندانی از جمله بوردیو استخراج شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه کردستان در سال تحصیلی ۹۱ - ۹۰ که مشغول به تحصیل بودند، می‌باشد که کلاً ۱۱۰۰۰ نفر بودند و با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی ۳۰۰ نفر از آن‌ها انتخاب گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که میان اوقات فراغت و شکل‌گیری اشکال جدید سرمایه رابطه‌ی معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج تحقیق، اوقات فراغت با شاخص‌های سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته و مشارکت اجتماعی دارای بیش‌ترین ضریب هم‌بستگی است.

کلیدواژگان: اوقات فراغت، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی، بوردیو.

^۱ پست الکترونیکی نویسنده رابط: m.jamal8@gmail.com

طرح مسئله

از دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد، در کنار سرمایه‌ی اقتصادی شاهد ظهور اشکال جدید سرمایه از جمله سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی می‌باشیم؛ آنچه که توجه اندیشمندان را تاکنون به خود جلب کرده است. نظریه‌پردازان توسعه بر این باورند که سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی از شاخص‌های مهم توسعه به‌شمار می‌آیند (غایب ۱۳۸۶: ۱۳) و تجارب بانک جهانی نیز حاکی از آن است که این اشکال جدید سرمایه سبب کاهش هزینه‌های مبادلاتی، افزایش کارایی نهادهای اجتماعی، ارتقای سطح دانش و مهارت، افزایش نوآوری و خلاقیت، افزایش کارایی دولت و سایت‌دهی اعمال‌شده از طرف دولت و توسعه‌ی مالی و سرمایه‌گذاری می‌شود (رحمانی و همکاران ۱۳۸۶: ۲). به همین دلیل اندیشمندان علوم اجتماعی معتقدند که این اشکال جدید سرمایه نقش بسیار مهم‌تری از سرمایه‌ی فیزیکی و سرمایه‌ی اقتصادی در جوامع معاصر ایفا می‌کنند. حتی بر این باورند که اثربخشی سایر سرمایه‌ها منوط به اثربخشی سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی است و بدون این سرمایه‌ها پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی دشوار می‌شود (رحمانی و کاوسی ۱۳۸۷: ۲۱). از این‌رو دولت‌مردان همواره به‌دنبال آن بوده‌اند که شناخت کاملی از این اشکال جدید سرمایه و برآوردی از رشد آن‌ها را در اختیار داشته باشند و چگونگی تحولات و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تغییر (افزایش و کاهش) آن‌ها را بدانند و به‌دنبال یافتن راه‌ها و عوامل افزایش این اشکال جدید سرمایه باشند (غایب ۱۳۸۶: ۱۳).

اندیشمندان علوم اجتماعی در راستای افزایش میزان سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی بر عواملی از قبیل آموزش و پرورش و دین که عوامل قابل توجه و همیشه حاضر در صحنه هستند، تأکید می‌نمایند (تاجبخش ۱۳۸۴: ۱۹۶) و به عوامل به‌ظاهر کم‌اهمیت مانند اوقات فراغت توجه چندانی نمی‌کنند، در صورتی که اوقات فراغت بخش مهمی از سبک زندگی است. اوقات فراغت و نحوه‌ی گذران آن از مباحث تازه‌ای است که پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری توجه جامعه‌شناسان را برانگیخته و به موضوعی مهم در حوزه‌ی علوم اجتماعی تبدیل شده است. مفهوم اوقات فراغت غالباً در نقطه‌ی مقابل درگیری‌ها و کارهای روزمره به‌کار می‌رود و مطالعه و بررسی آن به گشایش شاخه‌های جدیدی از علوم اجتماعی با عنوان «جامعه‌شناسی اوقات فراغت» و «انسان‌شناسی اوقات فراغت» انجامیده است (فکوهی و مهابادی ۱۳۸۲: ۶۲). امروزه در نتیجه‌ی رشد اقتصادی، ماشینی شدن کار، افزایش دستمزدها و

گسترش وسایل تفریح و ارتباطات در جوامع درحال توسعه پدیده‌ی اوقات فراغت و کیفیت استفاده از آن به مقوله‌ای بسیار مهم تبدیل شده است. اوقات فراغت مجموعه‌ای از اشتغالات است که افراد آن را پس از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به‌منظور استراحت، تفریح، توسعه‌ی اطلاعات، آموزش غیرانتفاعی و مشارکت اجتماعی به‌کار می‌برند (تورکیلسدن ۱۳۸۲: ۷۴). حوزه‌ی فراغت اصلی‌ترین حوزه‌ی سبک زندگی است. در این حوزه است که افراد نماگرها، کلیشه‌ها، الگوها و قواعد خاص سبک زندگی خود را بازگو می‌نمایند (ربانی و شیرینی ۱۳۸۸: ۲۱۱). اوقات فراغت به‌عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی-اجتماعی بر ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه تأثیرگذار است و از آن به‌عنوان تربیت غیررسمی یاد می‌کنند که می‌تواند کارکرد و تأثیری به‌مراتب بیش‌تر از آموزش و تربیت رسمی بر فرد بگذارد (معمدی‌مهر و واقف ۱۳۸۸: ۲۱۲). از نظر گولتا و همکارانش اوقات فراغت از آن‌چنان اهمیت زیادی برخوردار است که می‌تواند با مدرسه و خانواده رقابت کند و تأثیرات شگرفی بر زندگی جوانان اعمال نماید، زیرا گذران اوقات فراغت می‌تواند اراده‌ی فرد را برای ادامه‌ی یک زندگی همراه با موفقیت تقویت نماید و نشاط روحی و روانی در راستای کنترل و پیش‌گیری جوانان از کج‌روی‌ها، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی تقویت نماید. البته در این راستا بسترسازی مناسب برای گذران اوقات فراغت زمینه‌های بروز خلاقیت‌ها را نیز در فرد بارور می‌کند و ظهور کارهای خلاقانه و ابتکارات و اکتشافات تجربی، علمی و هنری را به‌دنبال دارد (معمدی‌مهر و واقف ۱۳۸۸: ۲۱۳).

از سوی دیگر اوقات فراغت و چگونگی گذران آن در شکل‌گیری و تداوم شخصیت افراد و داشتن جامعه‌ی سالم نقش مهمی دارد. فعالیت‌های اوقات فراغت می‌تواند نقش نیرومند و در عین حال دوگانه در تحول سطح فرهنگی جامعه داشته باشد. به این معنا که می‌تواند در ارتباط با نیازهای فکری و عملی انسان، سازگاری یا ناسازگاری اجتماعی و پیشرفت یا واپس‌ماندگی فرهنگی باشد. در راستای نقش اوقات فراغت اندیشمندان علوم اجتماعی همواره به کارکردهایی مانند شکل‌گیری و بازنمایی هویت، تداوم فرهنگی، کاهش مشکلات جسمی-روحی، ارتقای روابط انسانی و بالا بردن سطح کارایی اجتماعی-اقتصادی تأکید می‌نمایند (میرهاشمی و همکاران ۱۳۸۶: ۸۲)، اما آیا اوقات فراغت به‌جز این کارکردها، کارکردهای دیگری نیز دارد؟ آیا می‌توان گفت که شکل‌گیری و افزایش اشکال جدید سرمایه (سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی) از

کارکردهای اوقات فراغت است؟ به عبارت دیگر، مسئله‌ی اصلی تحقیق عبارت است از این که آیا اوقات فراغت به‌مثابه اصلی‌ترین حوزه‌ی سبک زندگی و به‌مثابه تربیت غیررسمی که دارای کارکرد و تأثیری به‌مراتب بیش‌تر از آموزش و تربیت رسمی بر فرد است، تأثیری بر شکل‌گیری و افزایش سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد؟ پژوهشگر در این پژوهش درصدد است که به تبیین جامعه‌شناختی نقش اوقات فراغت بر شکل‌گیری سرمایه‌ها بپردازد.

باتوجه به مطالب فوق از یک سو، تحلیل وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی در هر جامعه‌ای امری ضروری است، زیرا سرمایه‌ی اجتماعی برای فهم این مطلب که چگونه عناصر اجتماعی می‌توانند عملکرد افراد را در زمینه‌ی دستیابی به اهداف متفاوت تقویت کنند مفید است (لین و جونموسون ۲۰۰۷: ۳۳۱) و با کاهش هزینه‌های مبادلاتی و کمک به تثبیت حقوق مالکیت و جنبه‌های مختلف دیگر می‌تواند بر کارایی بخش‌ها و نهادهای مختلف جامعه تأثیر مهمی داشته باشد و سبب افزایش انباشت سرمایه‌ی انسانی، توسعه‌ی مالی و اقتصادی، افزایش نوآوری، خلاقیت و افزایش کارایی افراد و دولت گردد (همان: ۲). بررسی وضعیت سرمایه‌ی فرهنگی و نقش آن در جامعه نیز به‌اندازه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی حائز اهمیت است، زیرا اندیشمندان توسعه بر این باورند که سرمایه‌ی فرهنگی یکی از شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی قلمداد می‌شود. لذا لازم است که سیاست‌گذاران فرهنگی شناخت کاملی از این سرمایه و برآوردی از رشد آن در اختیار داشته باشند و چگونگی تحولات و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن را بدانند و منابع را برای تأمین این نیاز به‌گونه‌ای مناسب تخصیص دهند (غائب ۱۳۸۶: ۱۳). از سوی دیگر، بررسی نقش اوقات فراغت در زندگی جوانان و مشخص نمودن کارکردهای آن امری حائز اهمیت است و دولت‌مردان می‌توانند با اتخاذ تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های مناسب اوقات فراغت جوانان را در راستای برنامه‌ی توسعه‌ی کشوری هدایت نمایند. به‌این‌ترتیب با مطالعه‌ی علمی و شناخت دقیق اوقات فراغت و نقش و تأثیر آن بر شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی اقشار مختلف جامعه می‌توان از این مفهوم به‌عنوان متغیر پیش‌بینی‌کننده در تحلیل مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه سود جست. در نهایت باید گفت که بررسی کارکردهای اوقات فراغت و تأثیر آن بر شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی کاری باارزش است و سبب آگاهی مسئولان ذی‌ربط از کارکردهای اوقات فراغت

خواهد شد و با چنین شناختی می‌توان در راستای تحقق اهداف کشور و در مسیر توسعه و ترقی کشور گام برداشت.

پیشینه‌ی تجربی تحقیق

مطالعات مربوط به اوقات فراغت بیش‌تر از دیدگاه‌های توصیفی بوده است و محققان بیش‌تر به چگونگی وضعیت اوقات فراغت شهروندان و نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت پرداخته‌اند (سعیدی و همکاران ۱۳۸۸، صفایا ۱۳۸۰). به همین دلیل در زمینه‌ی نقش اوقات فراغت بر شکل‌گیری سرمایه‌ها تا جایی که پژوهشگر اطلاع دارد تحقیقی صورت نگرفته است، اما در مورد اوقات فراغت و اشکال جدید سرمایه به صورت مجزا تحقیقاتی صورت گرفته که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

فوکویاما در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که دین و تجارب مشترک تاریخی می‌تواند سرمایه‌ی اجتماعی تولید کند که در این زمینه کشورهای آلمان و ژاپن را مثال می‌زند که هر دو دارای تجربه‌ی جنگ و نآرامی‌های بین کارگران و مدیران بودند، ولی این دو کشور اتحادیه‌های مستقل کارگری را سرکوب کردند و به‌جای آن اتحادیه‌های زرد را بر سر کار آوردند و بعد از شکست در جنگ جهانی رویکرد مبتنی بر وفاق را در روابط مدیریت و کارگران برگزیدند که معجزه‌ی اقتصادی پس از جنگ آلمان و نظام اشتغال مادام‌العمر در ژاپن را به ارمغان آورد. این نظام‌های تازه شکلی از سرمایه‌ی اجتماعی را تشکیل دادند (تاجبخش ۱۳۸۴: ۱۹۲).

ابراهیمی و مسلمی (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت‌عنوان «اوقات فراغت، سرمایه‌ی فرهنگی و زنان» به بررسی رابطه‌ی اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی در بین یک نمونه‌ی تصادفی ۳۷۸ نفری در شهرستان جویبار پرداختند. در این تحقیق از روش پیمایشی و تکنیک پرسش‌نامه استفاده و جهت برآورد حجم نمونه و انتخاب نمونه‌ها از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده نمودند. نتایج تحقیق بیان‌گر آن بود که میان سرمایه‌ی فرهنگی و اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون چندمتغیره نیز حاکی از آن بود که از میان ابعاد سه‌گانه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی فقط دو بعد سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته و نهادینه‌شده دارای تأثیر معناداری بر اوقات فراغت می‌باشند. قنادان و اندیشمند (۱۳۸۸) در تحقیقی

تحت‌عنوان «نقش دانشگاه بر ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی» به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی به‌منظور ارائه‌ی الگویی برای ارتقای نظام آموزشی کشور پرداختند. در این تحقیق از روش پیمایش و تکنیک پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته استفاده نمودند. در این تحقیق ۱۷۵ نفر به‌روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق بیان‌گر آن بود که سرمایه‌ی اجتماعی افراد براساس متغیر مرتبه‌ی علمی و محل دانشگاهی یکسان نیست. به‌طوری‌که برخی دانشگاه‌ها پیش‌نیاز اصلی را برای ایجاد و ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی ندارند و نقش آن‌ها در این زمینه ضعیف است.

خواجه‌نوری و هاشمی‌نیا (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت‌عنوان «رابطه‌ی اوقات فراغت و بزهکاری» به بررسی نقش و تأثیرات اوقات فراغت بر کاهش بزهکاری دانش‌آموزان در بین یک نمونه‌ی تصادفی ۶۱۰ نفری از دانش‌آموزان دختر و پسر در دبیرستان‌های شیراز پرداختند. در این تحقیق از روش پیمایشی و تکنیک پرسش‌نامه استفاده نمودند. نتایج بیان‌گر آن بود که بین فعالیت‌های فراغتی سازمان‌یافته و رفتار بزهکارانه رابطه‌ی منفی وجود دارد، اما بین فعالیت‌های فراغتی سازمان‌نیافته و بزهکاری رابطه‌ی معنادار مثبتی وجود دارد. ربانی و شیرینی (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت‌عنوان «اوقات فراغت و هویت اجتماعی» به بررسی هویت اجتماعی در چهارچوب تحلیلی مفهوم اوقات فراغت به‌مثابه بخشی از مفهوم سبک زندگی پرداختند. این مطالعه به دو شیوه‌ی پژوهش کیفی با استفاده از تکنیک مصاحبه‌ی عمیق و روش پیمایش با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه در بین جوانان شهر تهران به‌اجرا درآمده است. نتایج تحقیق حاکی از نقش تعیین‌کننده‌ی طبقه‌ی اجتماعی و ترکیب هم‌زمان جنسیت با طبقه‌ی اجتماعی در خطوط تمایز و تفاوت الگوهای گذران اوقات فراغت است. حوزه‌ی فراغت در تهران به‌عنوان عرصه‌ی انتخاب فردی هنوز در دایره‌ی محدود طبقه‌ی اجتماعی و جنسیت است. کنشگران اگرچه آزادی انتخاب دارند، اما این انتخاب توسط متغیرهای ساختاری و زمینه‌ای محدود شده است. هم‌بستگی شدید هویت با طبقه‌ی اجتماعی و جنسیت در حوزه‌ی فراغت به‌معنای نفی تفاسیر پست‌مدرن در تمایزات اجتماعی متکثر مبتنی بر مصرف است. کریمیان و همکارانش (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت‌عنوان «نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت کتاب‌داران و ارتباط آن با سلامتی» به بررسی نقش اوقات فراغت بر سلامتی اعضای جامعه پرداختند. روش پژوهش آن‌ها از نوع پیمایشی بود و از ابزار پرسش‌نامه جهت گردآوری داده‌ها استفاده نمودند و با استفاده از نرم‌افزار

spss به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن بود که افرادی که اوقات فراغت خود را با ورزش پُر می‌کنند نسبت به افرادی که اوقات فراغت خود را صرف تماشای تلویزیون و سینما رفتن می‌کنند از سلامتی بیش‌تری برخوردارند.

مبانی نظری تحقیق

ریشه‌ی واژه‌ی فراغت «Leisure» به واژه‌ی لاتینی «Liceve» برمی‌گردد که به معنای رخصت دادن و اجازه دادن است (تامپلسون ۱۹۹۳: ۳۲۹). در دوره‌ی پیشامدرن منظور از مفهوم فراغت روندی از گذران وقت بود که به خودی خود ارزشمند تلقی می‌گردید، اما با ظهور جامعه‌ی صنعتی و دنیای مدرن این مفهوم تغییر کرد و در قالب مفهومی جدید یعنی «در مقابل کار» مطرح گردید. دودمازدیة می‌نویسد که گذران اوقات فراغت دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد با کمال میل بدان می‌پردازد. خواه به منظور استراحت، خواه برای ایجاد تنوع، خواه با هدف گسترش اطلاعات و آموزش خویشتن بدون توجه به اهداف مادی و خواه برای مشارکت اجتماعی ارادی و بسط توان آزاد و خلاقش، پس از آن‌که از الزامات حرفه خانوادگی و اجتماعی فارغ گشت (آلن بیرو ۱۹۶۶ به نقل از کاظمی ۱۳۸۷). در تحقیق حاضر، رویکرد نظری پیر بوردیو درباره‌ی اوقات فراغت و سبک زندگی و اشکال سرمایه به‌عنوان بنیاد نظری انتخاب شده است. بوردیو در جریان تلاش بی‌وقفه‌اش برای غلبه بر دوگرایی‌هایی چون ذهن‌گرایی/عین‌گرایی و ساختار/عاملیت دست به ابداع مفاهیمی مثل «میدان»، «هابیتاس»، «سرمایه» و «ذائقه» زد. او معتقد است که ما آدم‌های ماشینی از پیش برنامه‌ریزی شده‌ای نیستیم که بتوانیم پیامدهای رفتاری خود را پیش‌بینی نماییم، بلکه کنش‌های ما محصول چیزی هستند که او آن را رابطه‌ای گنگ و دوپهلوی یا رابطه‌ای ناخودآگاه بین هابیتاس و میدان می‌نامد. بوردیو این رابطه را در قالب معادله‌ی زیر خلاصه می‌کند:

$$[\text{هابیتاس}] \times (\text{سرمایه}) + \text{میدان} = \text{کنش}$$

این معادله را می‌توان با این عبارات توضیح داد: کنش نتیجه‌ی رابطه‌ی بین تمایلات شخصی (هابیتاس) فرد و جایگاه او در میدان (سرمایه) است، به‌گونه‌ای که امکان بروز آن در شرایطی خاص فراهم می‌گردد. این معادله نشان‌دهنده‌ی اجزایی اساسی است که برای درک نگرش بوردیو اهمیت زیادی دارد؛ درواقع سه ابزار تفکر اصلی بوردیو عبارتند از میدان، هابیتاس و

سرمایه که در ارتباط با هم‌دیگر هستند (گرنفل ۱۳۸۹: ۱۰۷). به‌نظر او جامعه مجموعه‌ای از میدان‌های اجتماعی است و هر میدان قوانین و منطق عمل خاص خود را دارد و عواملان اجتماعی با توجه به سرمایه‌هایی که در تملک دارند در جایگاه‌هایی معینی در میدان قرار می‌گیرند، برای بهبود جایگاه خود مدبرانه برنامه‌ریزی می‌کنند و جهت افزودن سرمایه و دستیابی به اهداف موردنظر آن میدان به‌صورت فردی و جمعی به رقابت می‌پردازند. آنچه کنشگران را در دستیابی به اهداف میدان یا افزودن سرمایه یاری می‌رساند و نتیجه‌ی رقابت را تعیین می‌نماید عبارت است از حجم، ترکیب و مقدار سرمایه‌ای که کنشگران در تملک دارند. به‌بیان دیگر کنشگرانی که سرمایه‌ی کلی بیش‌تری در اختیار داشته باشند در زمینه‌ی دستیابی به اهداف موردنظر آن میدان یا افزودن سرمایه موفق‌تر خواهند بود (همان: ۱۶۹-۱۵۳).

بورديو بر این باور است که هابیتاس افراد موجب شکل‌گیری ذائقه‌ی آن‌ها می‌گردد. ذائقه‌ها و ترجیحات زیباشناختی متفاوت سبک‌های زندگی متفاوت را ایجاد می‌کنند. بنابراین سبک زندگی محصول نظام‌مند هابیتاس است، اما این رابطه یک‌سویه نیست، بلکه رابطه‌ای دیالکتیکی است. بنابراین از نظر بورديو هابیتاس مولد دو نوع نظام است، یکی نظامی از رویه‌های ادراک و ارزیابی، یعنی همان ذائقه، و دیگری نظامی از رویه‌های ایجادکننده‌ی اعمال قابل طبقه‌بندی که تعامل این دو نظام با هم، سبک زندگی را ایجاد می‌کند. اما این یک سوی قضیه است، زیرا سبک زندگی (و فرایندهای مصرفی و اوقات فراغت به‌عنوان تجلی آن) هم نظامی از اعمال طبقه‌بندی‌شده‌اند و هم نظامی از اعمال طبقه‌بندی‌کننده (کازمی ۱۳۸۷: ۳۱). از این‌رو در نظریه‌ی بورديو سبک زندگی و ابعاد آن (از جمله اوقات فراغت) به‌منزله‌ی متغیر مستقل نیز مطرح می‌گردد که بر هابیتاس افراد و انواع سرمایه‌ها (سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی) و در ایجاد سلسله‌مراتب اجتماعی تأثیر می‌گذارد. نهایتاً در این پژوهش برای تحلیل جامعه‌شناختی رابطه‌ی اوقات فراغت و اشکال جدید سرمایه از نظریه‌ی بورديو برای تدوین و تنظیم چهارچوب نظری تحقیق استفاده شد و فرضیات تحقیق از آن استخراج گردید.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های کلی

- ۱- بین میزان اوقات فراغت دانشجویان و شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان اوقات فراغت دانشجویان و شکل‌گیری سرمایه‌ی فرهنگی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین متغیرهای زمینه‌ای (نظیر نوع جنسیت، وضع تأهل و مذهب)، شکل‌گیری سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های جزئی

- ۱- بین میزان اوقات فراغت دانشجویان و شکل‌گیری اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان اوقات فراغت دانشجویان و شکل‌گیری مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان اوقات فراغت دانشجویان و شکل‌گیری روابط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین میزان اوقات فراغت دانشجویان و شکل‌گیری هنجارهای هم‌یاری رابطه وجود دارد.
- ۵- بین میزان اوقات فراغت دانشجویان و شکل‌گیری سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته رابطه وجود دارد.
- ۶- بین میزان اوقات فراغت دانشجویان و شکل‌گیری سرمایه‌ی فرهنگی نهادی رابطه وجود دارد.
- ۷- بین میزان اوقات فراغت دانشجویان و شکل‌گیری عینیت‌یافته رابطه وجود دارد.

تعریف مفهومی و عملیاتی

اوقات فراغت

فراغت مجموعه فعالیت‌هایی است که شخص پس از رهایی از تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی با میل و اشتیاق به آن می‌پردازد و غرضش استراحت، تفریح، توسعه‌ی

دانش و به کمال رساندن شخصیت خویش، به ظهور رساندن استعدادها و خلاقیت‌ها و بسط مشارکت آزادانه در اجتماع است (خواجانه‌نوری و هاشمی‌نیا ۱۳۸۹: ۴۰). به همین اعتبار است که مقوله‌هایی که زیرشاخه‌های فعالیت‌های فراغتی به حساب می‌آیند، از جمله ورزش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی وابسته به مطالعه فراغت تعریف می‌شوند. اوقات فراغت براساس مطالعات تجربی خارجی و داخلی و منابع موجود به صورت مطالعه‌ی کتاب، خواندن روزنامه و مجله، بازدید از نمایشگاه، رفتن به سینما و کنسرت، انجام فعالیت هنری، فعالیت ورزشی، شرکت در کانون‌های علمی-فرهنگی شاخص‌سازی و عملیاتی شده است (هیود و همکاران ۱۳۸۱؛ گرین و همکاران ۲۰۰۶؛ شفیعی ۱۳۸۷؛ خواجانه‌نوری و هاشمی‌نیا ۱۳۸۹).

سرمایه‌ی فرهنگی

از نظر بوردیو سرمایه‌ی فرهنگی دربرگیرنده‌ی تمایلات پایدار فرد است؛ یعنی شامل گرایش‌ها و عاداتی است که در طی فرآیند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و شامل کالاهای فرهنگی، مهارت‌ها و انواع دانش مشروعه است (بوردیو ۱۹۸۶: ۴۷). از نظر بوردیو سرمایه‌ی فرهنگی دارای سه بُعد است:

الف- سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته (درونی‌شده): این سرمایه به واسطه‌ی کوشش، تلاش، تجربه و استعداد فرد حاصل می‌شود و با مرگ دارنده‌ی آن از بین می‌رود و نمی‌توان آن را به دیگران انتقال داد. برای مثال دانشجویی که در رشته‌ی تاریخ هنر مشغول به تحصیل است، به دلیل آموزش‌هایی که در نهادهای آموزشی می‌بیند، توانایی‌هایی را کسب می‌نماید که شکل سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته به خود می‌گیرد.

ب- سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته: این سرمایه از آشکارترین نوع سرمایه‌ی فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند گردند و عبارت است از مجموعه‌ی میراث‌های فرهنگی مانند آثار هنری، تکنولوژی ماشینی و قوانین علمی که به صورت کتب، اسناد و اشیاء در تملک اختصاصی افراد و خانواده‌ها است.

ج- سرمایه‌ی فرهنگی نهادی و ضابطه‌ای: این شکل از سرمایه‌ی فرهنگی به کمک ضوابط اجتماعی و با به‌دست آوردن عناوین معتبر برای افراد موقعیت کسب می‌کند؛ مانند مدرک تحصیلی و تصدیق حرفه کار (بوردیو ۱۹۸۶: ۴۷).

سرمایه‌ی فرهنگی براساس مطالعات تجربی خارجی و داخلی و منابع موجود به صورت عادت‌واره‌ی فرهنگی، مالکیت کالای فرهنگی، مهارت، مدرک تحصیلی، مدارک آموزشی و هنری شاخص‌سازی و عملیاتی شده است (بورديو ۱۹۸۶؛ سولیان ۲۰۰۱؛ بورديو و پاسرون ۱۹۹۰؛ کورتیس و نخایی ۱۹۹۸؛ تن‌سیل و تورستن ۱۹۸۵؛ سفیری و همکاران ۱۳۸۹؛ کاکاوندی ۱۳۸۷؛ غائب ۱۳۸۶).

سرمایه‌ی اجتماعی

بورديو سرمایه‌ی اجتماعی را انباشت منابع بالفعل و بالقوه‌ای می‌داند که مربوط به داشتن شبکه‌ای نسبتاً پایدار از روابط نهادینه‌شده از آشنایی و شناخت متقابل است (بورديو ۱۹۸۶: ۴۹). به بیان دیگر بورديو سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ی منابع مادی یا معنوی می‌داند که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه‌ی پایدار از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده‌ی آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد (فیلد ۱۳۸۸: ۳۱). سرمایه‌ی اجتماعی دارای دو بُعد کمی و کیفی است. از نظر بُعد کمی سرمایه‌ی اجتماعی یک کمیت است یعنی در جامعه هر چه مشارکت بیشتر باشد و تعداد انجمن‌های داوطلبانه و سازمان‌های غیردولتی بیش‌تر باشد سرمایه‌ی اجتماعی نیز بیش‌تر خواهد بود. کمیت دو بُعد مختلف دارد؛ یک بُعد، تعداد سازمان‌های داوطلبانه در جامعه و بُعد دیگر، تعداد اعضای هر یک از این گروه‌ها می‌باشد. بُعد کیفی نیز خود دارای دو بُعد است. یک بُعد، هم‌بستگی درون‌گروهی است و بُعد دیگر، هم‌بستگی بین-گروهی بین گروه‌های موجود در جامعه می‌باشد (چلبی و مبارکی ۱۳۸۴: ۷-۶). سرمایه‌ی اجتماعی براساس مطالعات تجربی خارجی و داخلی و منابع موجود به صورت اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی و هنجارهای هم‌یاری شاخص‌سازی و عملیاتی شده است (استون ۲۰۰۱؛ نارایان و همکاران ۲۰۰۴؛ ارشاد ۱۳۸۸؛ حسین‌پور ۱۳۸۸؛ زاهدی و همکاران ۱۳۸۴؛ عبداللهی و موسوی ۱۳۸۶).

روش‌شناسی

این پژوهش به لحاظ روش‌شناختی از رویکرد کمی بهره می‌برد و با توجه به ماهیت طرح، روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایش است. از نظر بُعد زمانی از نوع مقطعی و از نظر هدف از نوع کاربردی است. با توجه به این که در این پژوهش تمامی متغیرهای مورد بررسی در

سطح فرد تحلیل شده‌اند و نتایج نیز در همین سطح توصیف، مقایسه و تحلیل شده است، واحد تحلیل آن فرد (دانشجویان دانشگاه کردستان) می‌باشد. در این پژوهش برای سنجش متغیرهای مستقل و وابسته (اوقات فراغت و اشکال جدید سرمایه) از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. برای تهیه پرسش‌نامه‌ی تحقیق شاخص‌های مربوط به هر کدام از متغیرهای تحقیق، باتوجه به مبانی نظری و پژوهشی و تحقیقات قبلی استخراج و هر شاخص متناسب با سطح سنجش و با استفاده از طیف خاصی مورد سنجش قرار گرفته‌اند. سپس پرسش‌نامه‌ی مخصوص پاسخ‌گویان از طریق مراجعه‌ی پرسش‌گر به خود پاسخ‌گویان تکمیل گردیده است. جمعیت آماری تحقیق نیز عبارت است از کل دانشجویان دانشگاه کردستان که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ مشغول به تحصیل می‌باشند که به‌صورت تقریبی ۱۱۰۰۰ نفر می‌باشند. جهت برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید که ۳۰۰ نفر برآورد شد و برای انتخاب نمونه‌ها روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی مورد استفاده قرار گرفت. بر همین اساس برای انتخاب نمونه طبقه‌ای از دانشجویان جمعیت برحسب دانشکده‌ها سازمان داده شد، سپس تعداد متناسبی از زن و مرد را انتخاب نمودیم. در مرحله‌ی آنالیز کمی داده‌ها، ابتدا با استفاده از نرم‌افزار IBM SPSS ورود داده‌ها انجام شده و بعد از انجام آزمون‌های آماری رابطه‌ی بین متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

اعتبار و پایایی پرسش‌نامه

در این تحقیق برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری از اعتبار صوری استفاده شده است. برای این منظور پرسش‌نامه پس از آزمون مقدماتی اولیه و اصلاحات انجام شده در اختیار جمعی از اساتید و محققان علوم اجتماعی قرار گرفت که دارای دانش نظری و تحقیقاتی در زمینه‌ی مربوطه بودند. برای تعیین پایایی گویه‌ها، به‌دلیل آن که غالباً طرح سؤالات یک‌سان از همان پاسخ‌گویان در دو مقطع زمانی امکان‌پذیر نیست، از روش هم‌بستگی گویه به گویه (آلفای کرونباخ) استفاده گردید. این آماره برای محاسبه‌ی درونی پرسش‌نامه‌ها یا ابزارهایی که با مقیاس رتبه‌ای تنظیم

شده‌اند مورد استفاده قرار می‌گیرد (کلانتری ۱۳۸۹: ۷۴).^۱ جهت سنجش پایایی ابزار گردآوری داده‌ها در مرحله‌ی اول پیش‌آزمون به‌عمل آمد به‌طوری که پرسش‌نامه‌ی طراحی‌شده‌ی اولیه در میان ۴۰ نفر زن و مرد توزیع گردید و پس از گردآوری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS آلفای کرونباخ آن به‌دست آمد.

جدول (۱): ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته

نام متغیر	تعداد گویه‌ها	مشاهدات	ضریب آلفای کرونباخ	وضعیت روایی
سرمایه‌ی اجتماعی	۱۹	۳۹	۰/۷۲۰	دارای روایی ($\alpha > ۰/۷$)
سرمایه‌ی فرهنگی	۱۸	۴۰	۰/۷۵۸	دارای روایی ($\alpha > ۰/۷$)
اوقات فراغت	۱۷	۳۹	۰/۸۰۷	دارای روایی ($\alpha > ۰/۷$)

نتایج تحلیل‌های یک‌متغیره

بررسی‌های توصیفی (تحلیل یک‌متغیره) نه‌تنها به شناخت کامل‌تر جامعه‌ی مورد بررسی کمک می‌نماید، بلکه آماره‌های ساده و اولیه را نیز فراهم می‌نماید که می‌توان تحلیل‌های تبیینی را بر پایه‌ی آن‌ها بنا نهاد. بررسی توصیفی متغیرهای زمینه‌ای تحقیق حاضر بیان‌گر آن است که در نمونه‌ی مورد بررسی، ۵۱/۶ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۴۸/۴ درصد زن می‌باشند. به‌لحاظ تعلق مذهبی ۴۷/۵ درصد اهل تشیع، ۵۰/۲ درصد اهل تسنن و ۲/۴ نیز پیرو سایر ادیان هستند. از نظر مقطع تحصیلی ۹/۲ درصد پاسخگویان دانشجوی مقطع کاردانی، ۷۴/۶ درصد دانشجوی کارشناسی، ۱۶/۲ درصد دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد می‌باشند.

^۱ شاخص پایایی کل مقیاس آماره‌ای است به‌نام آلفای کرونباخ که دامنه‌ی آن از ۰ تا ۱ است. هرچه آلفا بیش‌تر باشد پایایی مقیاس بیش‌تر خواهد بود. طبق قاعده‌ی تجربی آلفا دست کم باید ۰/۷۰ باشد تا بتوان مقیاس را دارای پایایی به‌شمار آورد. اندازه‌ی آلفا به پایایی تک‌تک گویه‌ها بستگی دارد (ببی ۱۳۸۷: ۲۵۳-۲۵۲).

جدول (۲): توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای

نام متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
جنسیت	مرد	۱۵۵	۵۱/۶
	زن	۱۴۵	۱۰۰/۰
مذهب	تسنن	۱۴۹	۵۰/۲
	تشیع	۱۴۱	۹۷/۷
	سایر	۷	۱۰۰
مقطع تحصیلی	کاردانی	۲۶	۹/۲
	کارشناسی	۲۸۲	۸۳/۸
	کارشناسی ارشد	۴۶	۱۰۰
تأهل	مجرد	۲۶۳	۹۲/۹
	متأهل	۲۰	۱۰۰

به لحاظ سن نیز دامنه‌ی سنی جمعیت نمونه بین ۱۸ تا ۳۱ سال قرار دارد که بیش‌ترین افراد در گروه سنی ۲۱ قرار دارند. هم‌چنین مطابق با نتایج جدول شماره‌ی (۳) میانگین سنی پاسخ‌گویان سن ۲۱ سالگی است.

جدول (۳): شاخص‌های مرکزی متغیر «سن»

شاخص	میانگین	میانه	مد	مینیمم	ماکزیمم
مقدار	۲۱	۲۱	۲۰	۱۸	۳۱

نتایج توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق حاکی از آن است که در ۲۸/۳ درصد از دانشجویان مورد بررسی، میزان اوقات فراغت زیاد، ۶۵/۷ درصد در حد متوسط و ۶ درصد ضعیف می‌باشد. هم‌چنین با توجه به جدول مذکور در ۳/۲ درصد از دانشجویان، میزان سرمایه‌ی اجتماعی زیاد، ۸۲/۹ درصد در حد متوسط و ۱۳/۹ درصد ضعیف می‌باشد. در نهایت از لحاظ سرمایه‌ی فرهنگی نیز در ۶/۴ درصد از دانشجویان مورد بررسی سرمایه‌ی فرهنگی زیاد، ۵۵/۳ درصد در حد متوسط و ۳۴/۳ درصد ضعیف می‌باشد.

جدول (۴): توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	ضعیف		متوسط		زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اوقات فراغت	۳۹	۱۳/۹	۲۳۲	۸۲/۹	۱۸	۶
سرمایه‌ی اجتماعی	۳۹	۱۳/۹	۲۳۲	۸۲/۹	۹	۳/۲
سرمایه‌ی فرهنگی	۱۰۲	۳۴/۳	۱۷۶	۵۹/۳	۱۹	۶/۴

نتایج تحلیل‌های دو متغیره

در این قسمت از مقاله نتایج تحلیل‌های دو متغیره و مرتبط با آزمون فرضیه‌های تحقیق با استفاده از روش‌های آماری مناسب ارائه می‌گردد. البته لازم به ذکر است این تحقیق شامل دو فرضیه‌ی کلی است که در مورد رابطه‌ی دو متغیر مستقل «اوقات فراغت» با متغیرهای وابسته‌ی «سرمایه‌ی فرهنگی» و «سرمایه‌ی اجتماعی» است، اما چون متغیر سرمایه‌ی اجتماعی دارای چهار شاخص و متغیر سرمایه‌ی فرهنگی دارای سه شاخص جداگانه هستند، فرضیات تحقیق به صورت دو فرضیه‌ی کلی (به جز فرضیه‌ی متغیرهای زمینه‌ای) و هفت فرضیه‌ی جزئی در بخش‌های جداگانه (در قسمت فرضیه‌ها) دسته‌بندی شده‌اند. اما در این بخش برای نتیجه‌گیری بهتر، فرضیه‌های جزئی و کلی مرتبط با سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی و متغیرهای زمینه‌ای به‌طور متوالی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

رابطه‌ی اوقات فراغت و ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی

فرضیات اول تا چهارم تحقیق (فرضیات جزئی) در مورد رابطه‌ی بین متغیر مستقل «اوقات فراغت» و متغیرهایی که ابعاد تشکیل‌دهنده‌ی «سرمایه‌ی اجتماعی» هستند، می‌باشد. هر کدام از متغیرهای فوق از جمع‌بندی پاسخ به سوالات دارای طیف لیکرت ساخته شده‌اند. لذا این متغیرها را می‌توان دارای مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای دانست (ساعی ۱۳۸۷: ۸۸)^۱. بنابراین برای ارزیابی رابطه‌ها می‌توانیم از ضریب هم‌بستگی پیرسون یا رگرسیون خطی ساده استفاده نماییم.

^۱ از طریق محاسبه‌ی مجموع نمره‌ها، متغیر ترتیبی ویژگی یک متغیر فاصله‌ای را پیدا می‌کند (ساعی ۱۳۸۷: ۸۸).

جدول (۵): نتایج ضریب هم‌بستگی اوقات فراغت و ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی

نتیجه‌ی ارزیابی نتیجه	ضریب هم‌بستگی پیرسون		متغیرها	
	سطح معناداری	مقدار	متغیر وابسته	متغیر مستقل
تأیید رابطه	۰/۰۰۰	۰/۲۰۱	اعتماد اجتماعی	اوقات فراغت
تأیید رابطه	۰/۰۰۰	۰/۴۴۷	مشارکت اجتماعی	" "
تأیید رابطه	۰/۰۰۰	۰/۳۰۸	روابط اجتماعی	" "
عدم تأیید رابطه	۰/۵۲۷	۰/۰۳۷	هنجارهای همیاری	" "

فرضیه‌ی اول تحقیق درمورد رابطه‌ی اوقات فراغت و اعتماد اجتماعی دانشجویان است. با توجه به جدول شماره‌ی (۵) سطح معناداری به دلیل آن‌که کم‌تر از (۰/۰۵) است، وجود رابطه بین اوقات فراغت و اعتماد اجتماعی تأیید می‌گردد. ضریب هم‌بستگی این دو متغیر نیز برابر با (۰/۲۰۱) می‌باشد که بیان‌گر هم‌بستگی مثبت و شدت رابطه‌ی ضعیف بین این دو متغیر است. به عبارت دیگر با افزایش اوقات فراغت دانشجویان میزان اعتماد اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. بنابراین رابطه‌ی خطی مثبت بین اوقات فراغت و اعتماد اجتماعی دانشجویان تأیید می‌گردد.

فرضیه‌ی دوم درمورد رابطه‌ی اوقات فراغت و مشارکت اجتماعی دانشجویان است. با توجه به جدول شماره‌ی (۵) سطح معناداری (۰/۰۰۰) می‌باشد. به دلیل آن‌که این سطح معناداری کمتر از (۰/۰۵) است، وجود رابطه‌ی بین اوقات فراغت و مشارکت اجتماعی تأیید می‌گردد. ضریب هم‌بستگی این دو متغیر نیز برابر با (۰/۴۴۷) می‌باشد که بیان‌گر هم‌بستگی مثبت و شدت رابطه‌ی نسبتاً قوی بین این دو متغیر است. به عبارت دیگر با افزایش اوقات فراغت دانشجویان میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. بنابراین رابطه‌ی خطی مثبت بین اوقات فراغت و مشارکت اجتماعی دانشجویان تأیید می‌گردد.

سومین فرضیه‌ی جزئی تحقیق درمورد رابطه‌ی اوقات فراغت و روابط اجتماعی دانشجویان است. با توجه به جدول مذکور سطح معناداری کمتر از (۰/۰۵) است. این سطح از معناداری بیان‌گر وجود رابطه بین اوقات فراغت و روابط اجتماعی می‌باشد. ضریب هم‌بستگی این دو متغیر نیز برابر با (۰/۳۰۸) می‌باشد که بیان‌گر هم‌بستگی مثبت و شدت رابطه‌ی متوسط بین این

دو متغیر است. به عبارت دیگر با افزایش اوقات فراغت دانشجویان میزان روابط اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. بنابراین رابطه‌ی خطی مثبت بین اوقات فراغت و روابط اجتماعی دانشجویان تأیید می‌گردد.

چهارمین فرضیه‌ی جزئی درمورد رابطه‌ی اوقات فراغت با هنجارهای هم‌یاری دانشجویان است. با توجه به جدول فوق سطح معناداری (۰/۵۲۷) است به دلیل آن‌که سطح معناداری این فرضیه بیش‌تر از (۰/۰۵) است، وجود رابطه بین اوقات فراغت و هنجارهای هم‌یاری رد می‌گردد و این فرضیه مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

رابطه‌ی اوقات فراغت و سرمایه‌ی اجتماعی کلی

اولین فرضیه‌ی کلی تحقیق درمورد رابطه‌ی اوقات فراغت و سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان است. نتایج جدول شماره‌ی (۶) بیان‌گر آن است که اوقات فراغت و سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ی معناداری دارد، زیرا سطح معناداری این دو متغیر (۰/۰۰۰) می‌باشد که کم‌تر از (۰/۰۵) است. لذا وجود رابطه‌ی اوقات فراغت و سرمایه‌ی اجتماعی تأیید می‌گردد. در این راستا باید گفت که مقدار هم‌بستگی اوقات فراغت و سرمایه‌ی اجتماعی برابر با (۰/۴۵۱) می‌باشد که بیان‌گر رابطه‌ی خطی مثبت است، یعنی با اوقات فراغت، سرمایه‌ی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. البته شدت این رابطه نسبتاً قوی می‌باشد. بنابراین رابطه‌ی خطی مثبت بین اوقات فراغت و سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان تأیید می‌گردد.

جدول (۶): نتایج ضریب هم‌بستگی اوقات فراغت و سرمایه‌ی اجتماعی

نام متغیر	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری	نتیجه‌ی ارزیابی فرضیه
سرمایه‌ی اجتماعی	۰/۴۵۱	۰/۰۰۰	تأیید رابطه

در این تحقیق علاوه بر تلاش برای تبیین رابطه‌ی اوقات فراغت و اشکال جدید سرمایه سعی شده است تا تمایزپذیری و تغییر مقوله‌ی اشکال جدید سرمایه در رابطه با متغیرهای زمینه‌ای جنسیت، وضع تأهل و مذهب تبیین گردد.

آزمون تفاوت میانگین سرمایه‌ی اجتماعی برحسب جنسیت

نخستین متغیر زمینه‌ای که بسیار اساسی و تبیین‌گر است، متغیر جنسیت می‌باشد. هدف از بررسی رابطه‌ی جنسیت دانشجویان با متغیر سرمایه‌ی اجتماعی، مقایسه‌ی میانگین متغیر وابسته (سرمایه‌ی اجتماعی) در سطوح مختلف جنسیت است. جدول شماره‌ی (۷) نتایج آزمون تفاوت میانگین سرمایه‌ی اجتماعی در بین پاسخ‌گویان زن و مرد را نشان داده است. براساس نتایج آزمون، بین میانگین سرمایه‌ی اجتماعی پاسخ‌گویان زن و پاسخ‌گویان مرد تفاوت آماری معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر میانگین نمره‌ی دختران و پسران در این متغیرها با هم تفاوت دارد. به طوری که میانگین سرمایه‌ی اجتماعی در بین دانشجویان پسر بیش‌تر از میانگین دانشجویان دختر می‌باشد.

جدول (۷): آزمون تفاوت میانگین سرمایه‌ی اجتماعی برحسب جنسیت

متغیر	مقوله	میانگین	t آماره	درجه‌ی آزادی	سطوح معناداری sig
سرمایه‌ی اجتماعی	دختر	۸۲/۱۲	۲/۶۳	۱	۰/۰۰۷
	پسر	۸۴/۸۴			

آزمون تفاوت میانگین سرمایه‌ی اجتماعی برحسب وضعیت تأهل

دیگر متغیر زمینه‌ای تأثیرگذار، متغیر وضع تأهل است. هدف از آزمون تفاوت میانگین سرمایه‌ی اجتماعی برحسب وضعیت تأهل، مقایسه‌ی میانگین متغیر وابسته در سطوح مختلف وضعیت تأهل می‌باشد. یعنی می‌خواهیم میانگین سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان مجرد و متأهل را مقایسه نماییم. نتایج آزمون t بیان‌گر آن است که بین میانگین سرمایه‌ی اجتماعی پاسخ‌گویان مجرد و میانگین سرمایه‌ی اجتماعی پاسخ‌گویان متأهل تفاوت وجود دارد و این تفاوت معنادار است. (Sig = ۰۰/۰) به طوری که میانگین سرمایه‌ی اجتماعی در بین افراد مجرد (۸۹/۸۹) بیش‌تر از میانگین سرمایه‌ی اجتماعی افراد متأهل (۸۲/۶۲) می‌باشد و با توجه به مقدار سطح معناداری نتایج فوق را می‌توان به جامعه‌ی آماری تعمیم داد.

جدول (۸): آزمون تفاوت میانگین سرمایه‌ی اجتماعی برحسب تأهل

متغیر	مقوله	میانگین	t آماره	درجه‌ی آزادی	سطوح معناداری sig
سرمایه‌ی اجتماعی	مجرد	۸۹/۸۹	۷/۱۶۰	۱	۰/۰۰۰
	متأهل	۸۲/۶۲			

آزمون تفاوت میانگین سرمایه‌ی اجتماعی برحسب تعلق مذهبی

در این آزمون نیز درصدد آن هستیم که میانگین متغیر وابسته را در بین دانشجویان اهل تسنن و دانشجویان اهل تشیع مقایسه نماییم. نتایج این آزمون بیان‌گر وجود تفاوت معنادار بین میانگین نمره‌ی دانشجویان اهل تسنن و اهل تشیع در متغیر سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشد. به‌طوری‌که میانگین سرمایه‌ی اجتماعی در نزد دانشجویان اهل تسنن برابر با (۷۵/۳۹) می‌باشد که این رقم بیش‌تر از میانگین دانشجویان اهل تشیع (۷۳/۲۶) است. بنابراین میان متغیرهای مذکور با تعلق مذهبی در قشر دانشجو رابطه وجود دارد.

جدول (۹): آزمون تفاوت میانگین سرمایه‌ی اجتماعی برحسب تعلق مذهبی

متغیر	مقوله	میانگین	t آماره	درجه‌ی آزادی	سطوح معناداری sig
سرمایه‌ی اجتماعی	تشیع	۷۳/۲۶	۳/۵۹	۱	۰/۰۰۰
	تسنن	۷۵/۳۹			

رابطه‌ی اوقات فراغت و ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی

پنجمین فرضیه‌ی جزئی تحقیق درمورد رابطه‌ی اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته‌ی دانشجویان است. نتایج جدول شماره‌ی (۱۰) بیان‌گر آن است که اوقات فراغت با سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته رابطه‌ی معناداری دارد، زیرا سطح معناداری این دو متغیر (۰/۰۰۰) می‌باشد که کمتر از (۰/۰۵) است. لذا وجود رابطه‌ی اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته تأیید می‌گردد. در این راستا باید گفت که مقدار هم‌بستگی اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته برابر با (۰/۶۳۴) می‌باشد که بیان‌گر رابطه‌ی خطی مثبت است، یعنی با اوقات

فراغت، سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته نیز افزایش می‌یابد. البته شدت این رابطه قوی می‌باشد. بنابراین رابطه‌ی خطی مثبت بین اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته‌ی دانشجویان تأیید می‌گردد.

فرضیه‌ی ششم درمورد رابطه‌ی اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی نهادی دانشجویان است. باتوجه به جدول فوق سطح معناداری (۰/۰۰۰) می‌باشد که به‌دلیل آن که کمتر از (۰/۰۵) است، وجود رابطه بین اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی نهادی تأیید می‌گردد. ضریب هم‌بستگی این دو متغیر نیز برابر با (۰/۴۶۷) می‌باشد که بیان‌گر هم‌بستگی مثبت و شدت رابطه‌ی نسبتاً قوی بین این دو متغیر است. به‌عبارت دیگر با افزایش اوقات فراغت دانشجویان میزان سرمایه‌ی فرهنگی نهادی آنان نیز افزایش می‌یابد. بنابراین رابطه‌ی خطی مثبت بین اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی نهادی دانشجویان تأیید می‌گردد.

هفتمین فرضیه‌ی جزئی تحقیق درمورد رابطه‌ی اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته‌ی دانشجویان است. نتایج جدول مذکور بیان‌گر آن است که اوقات فراغت با سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته رابطه‌ی معناداری دارد، زیرا سطح معناداری این دو متغیر (۰/۰۰۰) می‌باشد که کمتر از (۰/۰۵) است. لذا وجود رابطه‌ی اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته تأیید می‌گردد. در این راستا باید گفت که مقدار هم‌بستگی اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته برابر با (۰/۳۳۹) می‌باشد که بیان‌گر رابطه‌ی خطی مثبت است، یعنی با اوقات فراغت، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته نیز افزایش می‌یابد. البته شدت این رابطه نسبتاً متوسط می‌باشد. لذا رابطه‌ی خطی مثبت بین اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته‌ی دانشجویان تأیید می‌گردد.

جدول (۱۰): نتایج ضریب هم‌بستگی اوقات فراغت و ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی

نتیجه‌ی ارزیابی فرضیه	ضریب هم‌بستگی پیرسون		متغیرها	
	سطح معناداری	مقدار	متغیر وابسته	متغیر مستقل
تأیید رابطه	۰/۰۰۰	۰/۶۳۴	سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته	اوقات فراغت
تأیید رابطه	۰/۰۰۰	۰/۴۶۷	سرمایه‌ی فرهنگی نهادی	" "
تأیید رابطه	۰/۰۰۰	۰/۳۳۹	سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته	" "

رابطه‌ی اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی کلی

دومین فرضیه‌ی کلی تحقیق درمورد رابطه‌ی اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی دانشجویان است. با توجه به جدول شماره‌ی (۱۱) سطح معناداری این آزمون برابر با (۰/۰۰۰) می‌باشد و به دلیل آن‌که این سطح معناداری کمتر از (۰/۰۵) است، وجود رابطه بین اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی تأیید می‌گردد. ضریب هم‌بستگی این دو متغیر نیز برابر با (۰/۶۱۶) می‌باشد که بیان‌گر هم‌بستگی مثبت و رابطه‌ی قوی بین این دو متغیر است. به عبارت دیگر با افزایش اوقات فراغت دانشجویان میزان سرمایه‌ی فرهنگی آنان نیز افزایش می‌یابد. بنابراین رابطه‌ی خطی مثبت بین اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی دانشجویان تأیید می‌گردد.

جدول (۱۱): نتایج ضریب هم‌بستگی اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی

نام متغیر	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری	نتیجه‌ی ارزیابی فرضیه
سرمایه‌ی فرهنگی	۰/۶۱۶	۰/۰۰۰	تأیید رابطه

آزمون تفاوت میانگین سرمایه‌ی فرهنگی برحسب جنسیت

درمورد رابطه‌ی متغیرهای زمینه‌ای جنسیت با سرمایه‌ی فرهنگی باید اشاره کرد که نتایج تحقیق بیان‌گر معنادار بودن تفاوت سرمایه‌ی فرهنگی برحسب جنسیت افراد نمونه است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین نمره‌ی دختران و پسران در این متغیرها با هم تفاوت دارد. به طوری که میانگین سرمایه‌ی فرهنگی در بین دانشجویان پسر بیش‌تر از میانگین دختران می‌باشد.

جدول (۱۲): آزمون تفاوت میانگین سرمایه‌ی فرهنگی برحسب جنسیت

متغیر	مقوله	میانگین	t آماره	درجه‌ی آزادی	سطوح معناداری sig
سرمایه‌ی فرهنگی	دختر	۸۴/۴۲	۲/۳۶۲	۱	۰/۰۱۹
	پسر	۸۷/۰۴			

آزمون تفاوت میانگین سرمایه‌ی فرهنگی برحسب تعلق مذهبی

نتایج آزمون بیان‌گر وجود تفاوت معنادار بین میانگین نمره‌ی دانشجویان اهل تسنن و اهل تشیع در متغیر سرمایه‌ی فرهنگی می‌باشد. به طوری که میانگین سرمایه‌ی فرهنگی در نزد دانشجویان

اهل تشیع برابر با (۷۲/۱۲) می‌باشد که این رقم بیش‌تر از میانگین دانشجویان اهل تسنن (۶۹/۴۲) است. بنابراین میان متغیرهای مذکور رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

جدول (۱۳): آزمون تفاوت میانگین سرمایه‌ی فرهنگی برحسب تعلق مذهبی

متغیر	مقوله	میانگین	t آماره	درجه‌ی آزادی	سطوح معناداری sig
سرمایه‌ی فرهنگی	تشیع	۷۲/۱۲	۳/۱۱	۱	۰/۰۰۰
	تسنن	۶۹/۴۲			

تحلیل رگرسیون ساده

برای ارزیابی رابطه‌ی بین دو متغیر استفاده از ضریب هم‌بستگی کافی است، اما برای محاسبه‌ی ضریب تعیین (R^2) که توضیح و توجیه مناسب‌تری را از رابطه‌ی میان دو متغیر ارائه می‌نماید، تحلیل رگرسیون خطی ساده را نیز مورد استفاده قرار می‌دهیم. هدف از یک تحلیل رگرسیونی یافتن مدل و الگوی مناسبی است که بتوان بر مبنای آن با توجه به مقادیر متغیرهای مستقل اقدام به پیش‌گویی متغیر وابسته نمود. دقت و توانایی اندازه‌گیری روش تحلیل رگرسیونی بسیار بالا است و استفاده از این تکنیک در مقام داوری میزان عینیت را افزایش می‌دهد (غیاثوند ۱۳۸۷: ۱۵۳). از این دیدگاه ارزیابی میزان تأثیری که هر متغیر مستقل در چنین مدلی دارد و نقش آن در پیش‌گویی متغیر وابسته می‌تواند تعیین‌کننده‌ی جایگاه و اهمیت آن در تحقیق باشد. بنابراین در این قسمت سعی می‌شود با استفاده از تحلیل رگرسیونی ساده اثر متغیرهای مستقل را مورد ارزیابی قرار دهیم. جدول شماره‌ی (۱۴) ضریب تعیین رگرسیونی مربوط به هر کدام از متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته را نشان می‌دهد. سطح معناداری و نتیجه‌ی ارزیابی فرضیه‌ها نیز برای هر کدام آمده است.

جدول (۱۴): نتایج رگرسیون ساده‌ی متغیرهای مستقل و وابسته

نتایج رگرسیون ساده		متغیرها	
سطح معناداری	ضریب تعیین (R^2)	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۰/۴۰	سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته	اوقات فراغت
۰/۰۰۰	۰/۰۳۷	اعتماد اجتماعی	" "
۰/۰۰۰	۰/۰۹۱	روابط اجتماعی	" "
۰/۰۰۰	۰/۱۹۷	مشارکت اجتماعی	" "
۰/۰۰۰	۰/۳۷۸	سرمایه‌ی فرهنگی	" "
۰/۰۲۳	۰/۲۰	سرمایه‌ی اجتماعی	" "

باتوجه به ضریب تعیین که در جدول شماره‌ی (۱۴) آمده است، درمورد متغیر مستقل اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته می‌توان گفت حدود ۴۰ درصد از اطلاعات سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته در شاخص اوقات فراغت نهفته است. به‌بیان دیگر متغیر اوقات فراغت به‌تنهایی، البته بدون کنترل کردن سایر متغیرها، حدود ۴۰ درصد از تغییرات متغیر سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته را تبیین می‌کند. نتایج رگرسیون ساده‌ی اوقات فراغت و اعتماد اجتماعی بیان‌گر آن است که حدود ۳/۷ درصد از اطلاعات اعتماد اجتماعی در شاخص اوقات فراغت نهفته است. بدان معنا، متغیر اوقات فراغت به‌تنهایی، البته بدون کنترل کردن سایر متغیرها، حدود ۳/۷ درصد از تغییرات متغیر اعتماد اجتماعی را تبیین می‌کند. درمورد متغیر مستقل اوقات فراغت و روابط اجتماعی می‌توان گفت حدود ۹/۱ درصد از اطلاعات روابط اجتماعی در شاخص اوقات فراغت نهفته است. بدان معنا، متغیر اوقات فراغت به‌تنهایی، البته بدون کنترل کردن سایر متغیرها، حدود ۹/۱ درصد از تغییرات متغیر روابط اجتماعی را تبیین می‌کند. نتایج رگرسیون ساده‌ی اوقات فراغت و مشارکت اجتماعی نیز بیان‌گر آن است که حدود ۱۹/۷ درصد از اطلاعات مشارکت اجتماعی در شاخص اوقات فراغت نهفته است. به‌بیان دیگر متغیر اوقات فراغت به‌تنهایی، البته بدون کنترل کردن سایر متغیرها، حدود ۱۹/۷ درصد از تغییرات متغیر مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند.

درمورد متغیر مستقل اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی می‌توان گفت حدود ۳۷/۸ درصد از اطلاعات سرمایه‌ی فرهنگی در شاخص اوقات فراغت نهفته است. بدان معنا، متغیر اوقات فراغت به‌تنهایی، البته بدون کنترل کردن سایر متغیرها، حدود ۳۷/۸ درصد از تغییرات متغیر سرمایه‌ی فرهنگی را تبیین می‌کند. نتایج رگرسیون ساده‌ی اوقات فراغت و سرمایه‌ی اجتماعی نیز بیان‌گر آن است که حدود ۲۰/۰ درصد از اطلاعات سرمایه‌ی اجتماعی در شاخص اوقات فراغت نهفته است. به‌بیان دیگر، متغیر اوقات فراغت به‌تنهایی، البته بدون کنترل کردن سایر متغیرها، حدود ۲۰/۰ درصد از تغییرات متغیر سرمایه‌ی اجتماعی را تبیین می‌کند.

نکته‌ی قابل توجه آن است که در میان متغیرهای وابسته‌ای که متغیر مستقل «اوقات فراغت» با آن‌ها رابطه‌ی هم‌بستگی دارد، متغیر اوقات فراغت با متغیر سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته دارای بیش‌ترین ضریب تعیین می‌باشد. سرمایه‌ی فرهنگی (به‌صورت کلی) و سرمایه‌ی اجتماعی (به‌صورت کلی) به‌ترتیب به ضرایب تعیین (۳۷/۸) و (۲۰) در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

نتایج تحقیق

تلاش این مقاله در جهت تبیین رابطه‌ی بین اوقات فراغت و اشکال جدید سرمایه (سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی) بود. براساس مبانی نظری تحقیق اوقات فراغت تأثیرات مختلفی بر بخش‌های مختلف جامعه و پدیده‌های اجتماعی دارد و امور فراغتی امروزه کارکردی شبیه به نهاد خانواده و آموزش و پرورش را دارد و باتوجه به نظریه‌ی بورديو اوقات فراغت به‌منزله‌ی متغیر مستقل نیز مطرح می‌گردد که بر انواع سرمایه‌ها (سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی) تأثیر می‌گذارد. در این مقاله سعی گردید که این رابطه تبیین گردد. نتایج آزمون فرضیه‌ها بیان‌گر وجود رابطه‌ی مستقیم و معنادار بین اوقات فراغت و سرمایه‌ی فرهنگی/اجتماعی است. به‌طوری که با افزایش اوقات فراغت دانشجویان، سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه بدان معنا است که اوقات فراغت صرفاً یک متغیر وابسته و تأثیر پذیرنده نیست، بلکه می‌تواند بر سایر پدیده‌های اجتماعی از جمله بر شکل‌گیری و افزایش اشکال جدید سرمایه تأثیر بگذارد. چنین نتیجه‌ای مویده نظریه‌ی بورديو است. زیرا بورديو بر این باور است که سبک زندگی (و اوقات فراغت به‌عنوان تجلی آن) هم نظامی از اعمال طبقه-بندی‌شده‌اند و هم نظامی از اعمال طبقه‌بندی‌کننده. این بدان معنا است که از نظر بورديو بین

هابیتاس، انواع سرمایه و سبک زندگی نوعی تعامل دیالکتیکی وجود دارد. از این‌رو در نظریه‌ی بوردیو سبک زندگی و ابعاد آن (از جمله اوقات فراغت) به‌منزله‌ی متغیر مستقل نیز مطرح می‌گردد. هم‌چنین یافته‌ی مذکور در تأیید مطالعات کریمیان و همکاران (۱۳۸۹) و خواجه نوری و هاشمی‌نیا (۱۳۸۹) است که بر وجود نقش اوقات فراغت به‌مثابه یک متغیر مستقل و تأثیرگذار در زندگی اجتماعی افراد تأکید می‌کردند.

نتایج تحقیق حاضر بیان‌گر آن است که اوقات فراغت یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری و افزایش سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی است. به‌این‌ترتیب با مطالعه‌ی علمی و شناخت دقیق اوقات فراغت و تأثیر آن بر شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی اقشار مختلف جامعه می‌توان از این مفهوم به‌عنوان متغیر پیش‌بینی‌کننده در تحلیل مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه سود بُرد. لذا بررسی نقش اوقات فراغت در زندگی جوانان و مشخص نمودن کارکردهای آن امری ضروری و حائز اهمیت است و دولت‌مردان می‌توانند با اتخاذ تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های مناسب اوقات فراغت جوانان را در راستای برنامه‌ی توسعه‌ی کشوری هدایت نمایند. به‌عبارت دیگر از طریق اوقات فراغت می‌توان اهداف فردی و اهداف کلی جامعه (افزایش سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی) که در راستای بهبود زندگی فردی و جمعی و توسعه‌ی کشور است را برآورده کرد.

از سوی دیگر نتایج این تحقیق در سطح کلان برای اکثر کشورها حائز اهمیت است، زیرا نظریه‌پردازان توسعه بر این باورند که سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی از شاخص‌های مهم توسعه به‌شمار می‌آیند و سبب کاهش هزینه‌های مبادلاتی، افزایش کارایی نهادهای اجتماعی، ارتقای سطح دانش و مهارت، افزایش نوآوری و خلاقیت، افزایش کارایی دولت و توسعه‌ی مالی و سرمایه‌گذاری می‌شوند. از این‌رو اندیشمندان و دولت‌مردان همواره درصدد بودند که چگونگی تحولات و عوامل موثر بر شکل‌گیری و تغییر (افزایش و کاهش) سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی را بیابند. تحقیق حاضر نیز در راستای چنین هدفی انجام گردید و نتایج تحقیق بیان‌گر آن بود که یکی از عوامل مؤثر و تعیین‌کننده بر افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی عامل اوقات فراغت می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که اوقات فراغت به‌مثابه اصلی‌ترین حوزه‌ی سبک زندگی و به‌مثابه تربیت غیررسمی که دارای کارکرد و تأثیری به‌مراتب بیش‌تر از

آموزش و تربیت رسمی بر فرد است، بر شکل‌گیری و افزایش سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیری قابل توجه دارد.

کتابنامه فارسی

۱. ابراهیمی، قربانعلی، مسلمی، رقیه (۱۳۹۰) اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی، زنان، مجله زن در توسعه و سیاست، زمستان، شماره ۴.
۲. ارشادی، فاطمه (۱۳۸۸) بررسی رابطه میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی و رضایت شغلی دبیران زن دبیرستان‌های شبستر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۳. اشرف‌الکتابی، منوچهر (۱۳۷۹) بررسی تغییرات نحوه گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، رساله کارشناسی ارشد.
۴. بیبی، ارل (۱۳۸۷) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، رضا فاضل، تهران، سمت.
۵. تاجبخش، کیان، سرمایه اجتماعی (۱۳۸۴) اعتماد، دموکراسی و توسعه، افشین خاکباز، حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.
۶. تورکیل‌دسن، جرج (۱۳۸۲) اوقات فراغت، عباس اردکانیان، تهران، نوربخش.
۷. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۳) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت.
۸. خواجه‌نوری، بیژن، هاشمی‌نیا، فاطمه (۱۳۸۹) رابطه اوقات فراغت و بزهکاری، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد.
۹. ربانی، رسول، شیری، حامد (۱۳۸۸) اوقات فراغت و هویت اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۸.
۱۰. رحمانی، تیمور، عباسی‌نژاد، حسین، امیری، میثم (۱۳۸۶) بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، تابستان، شماره ۲.
۱۱. رحمانی، محمد، کاوسی، اسماعیل (۱۳۸۷) اندازه‌گیری و مقایسه سرمایه اجتماعی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۲. ریتزر، جورج (۱۳۸۶) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۱۳. زاهدی، محمدجواد، ملکی، امیر، حیدری، امیرارسلان (۱۳۸۴) فقر و سرمایه اجتماعی، رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸.
۱۴. ساعی، علی (۱۳۸۷) روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، سمت.
۱۵. سفیری، خدیجه، آراسته، راضیه، موسوی، مرضیه (۱۳۸۹) تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل با نوع روابط همسران در خانواده، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، بهار.

۱۶. شفیع‌ی، سمیه (۱۳۸۷) مطالعات جنسیتی اوقات فراغت به سوی تبیین سبک زندگی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۱۷. عبداللهی، محمد، موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶) سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵.
۱۸. غائب، فریده (۱۳۸۶) سرمایه فرهنگی و تأثیر آن بر سبک زندگی دختران نوجوان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۱۹. فکوهی، ناصر، انصاری مهابادی، فرشته (۱۳۸۱) اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی، نامه انسان‌شناسی، پاییز و زمستان.
۲۰. کاظمی، عباس (۱۳۸۷) بررسی سبک‌های زندگی فراغتی در میان دانشجویان کشور و عوامل همبسته با آن‌ها. طرح تحقیقاتی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۲۱. کاکاوندی، اکرم (۱۳۸۷) تبیین سرمایه اجتماعی جوانان؛ با تأکید بر نقش خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۲. کریمیان، جهانگیر، شکری‌زاده پریوش، افشار، مینا (۱۳۸۹) نحوه گذراندن اوقات فراغت کتابداران و ارتباط آن با سلامتی، فصلنامه مدیریت اطلاعات سلامت، ویژه نامه، زمستان.
۲۳. کلانتری، خلیل (۱۳۸۹) پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، تهران، فرهنگ صبا.
۲۴. گرنفل، مایکل (۱۳۸۹) مفاهیم کلیدی بورديو، محمد مهدی لیبی، تهران، نشر افکار.
۲۵. مجدالدین، اکبر (۱۳۷۷) بررسی ساختار ارزشیابی ایستار رزمندگان در دو مقطع جنگ و پس از جنگ با تأکید بر نحوه گذران اوقات فراغت، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، رساله دکتری.
۲۶. معتمدی‌مهر، اکبر، واقف کودهی، مریم (۱۳۸۸) مطالعه تطبیقی گذران اوقات فراغت جوانان شهر صومعه سرا، فصلنامه چشم انداز جغرافیایی، شماره ۹.
۲۷. میرهاشمی، مالک، شکری، بهنام، محمدی، محمدجواد (۱۳۸۶) مدت و نحوه گذران اوقات فراغت کارکنان اداری دانشگاه آزاد اسلامی، مجله دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۱۳.
۲۸. هیود، لس و همکاران (۱۳۸۱) اوقات فراغت، محمد احسانی، تهران، امید دانش.

کتابنامه لاتین

29. Bourdieu, pierre, passero, jeancloude (1990) reproduction in education society and culture. Sage publication.
30. Bourdieu, p. (1986) the forms of capital, in j. G. richardson, handbook of theory and research for sociology of education, greenwood press, new York
31. Bureent, cora (2005) builing social capital through ao active comminuty club in international review for sociology

32. Green, gray & ken, cordell & betz, carterj (2006) construction and validation of the notional survey on recreation and environment's scale, journal of leisure research, vol.38.
33. Lin, nan, joon mo son, (2007) social capital and civic action a network-based approach, department of sociology, buke university.
34. Narayan, deepa, nyhan, veronica, woolcock, Michael (2004) measuring capital. An integreat, the world bank.
35. Nakhaie, reza, Curtis, james (1998) effects of class positions of parents and educational attainment daughters and sons, the Canadian review of sociology and anthropology. N;4
36. Tomlinson, alen (1993) *the blockwell dictionary of 20th century social scince, blockwell.*
37. Tulle, e (2007) running to run in sociology.
38. Stone, wendy (2001) measuring social capital, towards a theoretically in formed measurement framework for researching social capital in family and community life, australian institute of family studies.
39. Sullivan.a (2001) cultural capital and educational attainment.